

آینده شراکت ایران و روسیه در بحران سوریه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۴/۳۰

حمیدرضا عزیزی*

مصطفی نجفی**

چکیده

با توجه به اهمیت شراکت ایران و روسیه در حمایت از دولت سوریه از زمان آغاز جنگ داخلی در این کشور تاکنون، در این مقاله، ضمن بررسی اهداف و منافع مسکو و تهران در بحران سوریه، اختلافات و اشتراکات منافع و اهداف آن‌ها در این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع، با توجه به چشم‌انداز نه‌چندان روشن روابط ایران و روسیه در سوریه و بدبینی نخبگان و جوامع این دو کشور نسبت به آینده این روابط، هدف از نگارش این مقاله، بررسی آینده شراکت تهران-مسکو در بحران سوریه است. بر این اساس، پرسش اصلی مقاله این است که چه عواملی بر شراکت ایران و روسیه در موضوع سوریه تأثیرگذار است و این عوامل، ماهیت شراکت را به کدام سمت پیش خواهد برد؟ فرضیه اصلی مقاله این است که قرار گرفتن ایران و روسیه در یک محور در سوریه، به معنای اشتراک کامل منافع میان آن‌ها در این بحران نیست و این دو بازیگر بر سر موضوعاتی همچون آینده بشار اسد، حزب‌الله و ساختار سیاسی آینده سوریه اختلافات عمده‌ای با یکدیگر دارند و به همین دلیل، باید گفت اگرچه اهداف کوتاه‌مدت تضمین‌کننده بقای شراکت میان این دو کشور در مدت زمانی کوتاه است، اما در بلندمدت می‌توان انتظار بروز اختلافات اساسی میان آن‌ها را داشت. در این مقاله، از روش تبیینی و چارچوب نظری نوواقع‌گرایی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: ایران، روسیه، سوریه، منافع، اختلاف، شراکت.

* استادیار

پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

hr_azizi@sbu.ac.ir

** دانش‌آموخته

کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت

مدرس، تهران، ایران.

m.najafi1369

@gmail.com

مقدمه

از زمان آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱، خاورمیانه نیز وارد یک دسته‌بندی جدید شده که بیش از هر چیز ناشی از بحران و جنگ داخلی در سوریه است. از یک سو، بازیگرانی چون ایالات متحده، عربستان سعودی، ترکیه و برخی از کشورهای عربی، خواهان کنار رفتن و سرنگونی بشار اسد بوده‌اند و از طرف دیگر، روسیه و ایران و تاحدودی عراق، ضمن حمایت از دولت سوریه، بر لزوم مبارزه با تروریست‌ها و معارضان مسلح تأکید داشته‌اند. ایران و روسیه همسایه یکدیگر هستند؛ هر چند در طول سالیان متمادی روابط دو کشور به واسطه سیاست‌ها و رویکردهای روسیه تزاری و اتحاد شوروی با تنش‌ها و چالش‌های جدی روبه‌رو بود، اما فروپاشی شوروی باعث شد تا اشتراکات دو کشور هم بیشتر دیده شود. ایران و روسیه اکنون از سوی آمریکا و غرب تهدید می‌شوند. شاید روسیه این خطر را پیش از این چندان جدی نگرفته بود، اما پیش‌روی‌های آمریکا و غرب به سوی اهداف و منافع دو طرف، باعث شد تا روسیه هم با ایران بر سر موضوعات و مسائل حساس منطقه همراه شود. یکی از موضوعات مهمی که اکنون در منطقه بحران ایجاد کرده و باعث شده ایران و روسیه هماهنگی و همکاری نزدیکی با یکدیگر داشته باشند، سوریه است. این کشور، هم برای ایران از اهمیت ویژه برخوردار است و هم برای روسیه و همین موضوع باعث شد تا دو کشور یک ائتلاف نانوشته را تشکیل دهند.

به همین جهت، اشتباه است اگر بخواهیم تحلیل موقعیت سوریه را به تحلیل رویارویی احتمالی بین دو ابرقدرت هسته‌ای محدود کنیم (هرچند که این جزء مهمی از تحلیل به شمار می‌رود) یا تنها از این نقطه نظر سعی در پیش‌بینی تحولات این جنگ داشته باشیم. در حقیقت، بازیگر خارجی سوم و بااهمیت دیگری در این عرصه وجود دارد که همان ایران است. ایران و روسیه، با توجه به تغییرات محیط بین‌المللی، در سوریه وارد فاز بازی‌های استراتژیک و ژئوپلیتیک شده‌اند. روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ، تلاش می‌کند نقش جهانی خود را بازتعریف کند. اقدامات این کشور در اوکراین و اخیراً سوریه، شاهدی بر این ادعا است. این کشور بعد از حدود ۴۰ سال، بار دیگر به خاورمیانه آمده تا ثابت کند که محیط کنونی بین‌المللی را عرصه حاکمیت چند قطبی می‌داند. استراتژی ایران در خاورمیانه نیز دقیقاً حول محور بازتعریف نقش ژئوپلیتیکی خود می‌چرخد. بازی ایران در سوریه، عراق، لبنان و حتی یمن را نباید صرفاً ایدئولوژیک دانست؛ زیرا ایران در واقع به دنبال یک «فضای حیاتی» است (Sadeghi:2015).

بر این اساس، از یک سو با توجه به فعال شدن بی‌سابقه روسیه در منطقه خاورمیانه که

بحران سوریه مهم‌ترین نمود آن است و از سوی دیگر، با عنایت به نقش ایران در منطقه به عنوان یک بازیگر مهم و تأثیرگذار منطقه‌ای، وضعیت فعلی و آینده تعاملات این دو کشور در سوریه، نه تنها بر روابط دوجانبه مسکو-تهران، بلکه بر عرصه گسترده‌تر تعاملات منطقه‌ای تأثیرگذار است. در همین راستا، در این مقاله، قصد داریم ضمن بررسی اهداف و منافع روسیه و ایران در بحران سوریه، اختلافات و اشتراکات منافع و اهداف آن‌ها را در این بحران بررسی کنیم. لذا، پرسش اصلی پژوهش این است که «چه عواملی بر شراکت ایران و روسیه در موضوع سوریه تأثیرگذار است و این عوامل، ماهیت شراکت را به کدام سمت پیش خواهد برد؟» این مقاله نشان می‌دهد که «قرار گرفتن ایران و روسیه در یک محور مشترک در سوریه، به معنای اشتراک کامل منافع میان آن‌ها در این بحران نیست و این دو بازیگر بر سر موضوعاتی همچون آینده بشار اسد، حزب‌الله و ساختار سیاسی آینده سوریه اختلافات عمده‌ای با یکدیگر دارند و به همین دلیل، باید گفت اگرچه اهداف کوتاه‌مدت تضمین‌کننده بقای اتحاد میان این دو کشور است، اما در بلندمدت باید شاهد اختلافات اساسی میان آن‌ها باشیم».

۱. پیشینه پژوهش

«آنا برشچوسکی»^۱ از زاویه مقابله ایران و روسیه با ایالات متحده در سوریه، به روابط آن‌ها در این بحران پرداخته است. برشچوسکی در مقاله‌ای به نام «اهداف روسیه فراتر از دمشق» که در مؤسسه واشنگتن^۲ منتشر شد، عنوان کرد که همکاری میان تهران-مسکو پیچیدگی‌های عمیقی در سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده به وجود آورده است. به عقیده وی، ضدیت با غرب باعث شده تا آن‌ها اختلافات خود را کنار بگذارند و به سمت و سوی هم‌گرایی بیشتر پیش بروند (Borshchevskaya, 2018). با این حال، تقلیل دادن همکاری و شراکت ایران و روسیه در سوریه به ضدیت آن‌ها با غرب و مشخصاً آمریکا، نمی‌تواند تبیین‌کننده واقعیت‌های همکاری و رقابت میان آن‌ها باشد.

«مؤسسه مطالعات جنگ»^۳ در گزارشی تحت عنوان «هم‌گرایی راهبردی ایران و روسیه»، به منافع مشترک دو کشور در حوزه‌های موضوعی و بحرانی متعدد و از جمله سوریه پرداخته است. «کریس کزاک»^۴ در این گزارش، از منظر نیاز ایران به ارسال کمک‌های خود به حزب‌الله لبنان و نیاز روسیه به حفظ پایگاه‌های نظامی در شرق سوریه، به نقش آفرینی آن‌ها در بحران

1 Anna Borshchevskaya
2 The Washington Institute
3 Institute for the Study of War
4 Chris Kozak

سوريه پرداخته است و حفظ بشار اسد را مهم‌ترین مؤلفه در همکاری مسکو-تهران ارزیابی کرده است (Chris Kozak, 2017). در این گزارش، به افتراقات میان دو بازیگر چندان توجه نشده و به همکاری آن‌ها بیش از هر چیز از منظر حفظ بشار اسد نگریسته شده است.

از دیدگاه نیکلای کاژانف، مشاور برنامه سیاست خارجی و امنیت در مرکز مسکوی کارنگی، روابط ایران و روسیه روابطی مبتنی بر رقابت و تعامل توأمان است. وی در مقاله‌ای تحت عنوان «از دواج مصلحتی؛ چشم‌انداز همکاری منطقه‌ای ایران و روسیه در سوریه»، استدلال می‌کند که «عامل مهمی که دو دولت را در سوریه به یکدیگر نزدیک کرده است، عمل‌گرایی فوق‌العاده رهبران دو کشور است و آن‌ها نسبت به تفاوت منافع نهایی‌شان در سوریه توهمی ندارند. به همین جهت، می‌توان گفت اتحادی میان آن‌ها در کار نیست و تعامل آنان حالت وضعی و محدودی دارد» (Kozhanov, 2016). نقدی که به مقاله کاژانف وارد است این است که بیش از اندازه به افتراقات دو بازیگر توجه کرده و مانور چندانی روی حوزه‌هایی که آن‌ها می‌توانند برای تقویت روابط خود از آن بهره‌برداری کنند، نداده است.

شمس‌الدین صادقی و سمیرا مرادی، در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل ائتلاف ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه»، به بررسی ائتلاف ایران و روسیه در بحران سوریه پرداخته و تأکید کرده‌اند که علی‌رغم اشتراکاتی که میان مسکو و تهران در این بحران وجود دارد، افتراقات عمده‌ای نیز در میان آن‌ها قابل رؤیت است. با این حال، در این مقاله، بیش‌تر بر اشتراکات دو کشور در بحران سوریه پرداخته شده است و توجه چندانی به نقاط کوری که ممکن است زمینه‌های شکاف در روابط میان آن‌ها در سوریه را فراهم کند، نشده است (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶).

محمود شوری در مقاله «ایران، روسیه و آینده مسئله سوریه» که در مجله شورای روابط خارجی منتشر شد، بحران سوریه را نقطه عطف جدیدی در همکاری‌های میان ایران و روسیه در خاورمیانه قلم‌داد کرده است. با وجود این، معتقد است در صورت تغییر دستور هر یک از آن‌ها، شرایط می‌تواند به کلی تغییر یابد و این دو کشور را به سمت رقابت با یکدیگر سوق دهد (شوری، ۱۳۹۴).

جان پارکر، محقق ارشد مؤسسه مطالعات استراتژیک ملی آمریکا، به روابط ایران و روسیه از منظر رقابت و همکاری نگریسته است و در مقاله‌ای تحت عنوان «ایران و روسیه: شرکا یا رقبای راهبردی؟» در «مؤسسه سیاست‌های عمومی جیمز بیکر سوم دانشگاه رایس»، به مسائلی که می‌تواند زمینه رقابت یا همکاری میان تهران-مسکو را فراهم آورد، اشاره کرده و بحران سوریه را یکی از مواردی دانسته است که می‌تواند در عین همکاری، رقابت عمده‌ای را

نیز میان آن‌ها در آینده نزدیک به وجود آورد (Parker, 2016). پارکر در این مقاله، تحلیل مناسبی از همکاری و رقابت ایران و روسیه ارائه داده است؛ با این حال، نتوانسته چشم‌انداز مشخصی از روابط میان آن‌ها ارائه دهد.

در اینجا باید با یک نگاه اروپایی به رابطه ایران و روسیه در سوریه نیز اشاره کنیم؛ جایی که «الی گرانمایه»، عضو شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا و همکار وی «کادری لیک»، در کتابی به نام «زوج قدرت جدید: روسیه و ایران در خاورمیانه»، همکاری میان تهران و مسکو در بحران سوریه را نقطه عطفی برای همکاری‌های بلندمدت آن‌ها در خاورمیانه قلم‌داد کرده‌اند که از نظر آن‌ها می‌تواند تأثیرات مستقیمی را برای امنیت اروپا به همراه داشته باشد (Geranmayeh & Liik, 2016).

با این حال، تمامی این آثار و همچنین دیگر مقالات به نسبت کم‌اهمیت‌تری که به موضوع روابط ایران و روسیه در سوریه پرداخته‌اند، عمدتاً معطوف به تحلیل روند گذشته و شرایط فعلی رابطه دو کشور بوده و به طور مشخص، درباره چشم‌انداز و مسیر پیش روی این رابطه، به تحلیل و نتیجه‌گیری نپرداخته‌اند. بر این اساس، نوآوری مقاله حاضر در آن است که از یک سو، با استفاده از یک چارچوب نظری و در قالب گزاره‌های این نظریه و از سوی دیگر، با دیدی معطوف به آینده، به بررسی نقاط اشتراک و افتراق ایران و روسیه در سوریه پرداخته و این موضوع را مورد تحلیل قرار داده است.

۲. روش پژوهش

آینده‌پدیده‌ای چندوجهی، نامتعین و پیچیده است؛ برای همین است که روش‌شناسی‌های مرسوم برای شناسایی چنین آینده‌ای با سختی‌های بسیاری روبه‌رو می‌شوند. وجود لایه‌های گوناگون از آینده موجب می‌شود تا انواع مختلف روش در حوزه‌های مختلف کاربری یافته و در نتیجه، یک مجموعه درهم‌تنیده و پیچیده از روش‌ها در آینده‌پژوهی به کار روند؛ اما در کل، روش‌ها بر مبنای رهیافت و جهتی که نسبت به آینده اتخاذ می‌کنند، از دو گروه تشکیل می‌شوند:

۱. رهیافت اکتشافی؛ که سعی در شناخت آینده و ویژگی‌های حاکم بر آن دارد.

۲. رهیافت هنجاری؛ این رهیافت با ارزش‌گذاری بر وضعیت‌های خاص در آینده،

تجویزهایی نیز برای دستیابی به چنین آینده مطلوبی مطرح می‌کنند.

البته این روش‌شناسی‌ها مرز کاملاً مشخصی ندارند، به طوری که روش‌های شناختی از نوعی

هنجارگرایی در تعریف شاخص‌ها برخوردار بوده و روش‌های هنجاری نیز، پیش از ورود به مرحله تجویز، باید مرحله اکتشاف و شناسایی آینده را طی کنند. در حوزه روش‌های گردآوری و تحلیل داده برای آینده‌پژوهی نیز از روش‌های کمی و کیفی متعددی استفاده می‌شود.

با این تفاسیر، پیش از تشریح مدل، اشاره به چند نکته در مورد سناریونویسی ضروری به نظر می‌رسد. سناریو در آینده‌پژوهی، توصیفی داستانی و باورپذیر از رویدادهای آینده بر مبنای ادراک افراد از بدیل‌های ممکن در محیط است؛ به عبارت دیگر، سناریو داستان‌واره‌ای است که در ذهن پژوهش‌گر شکل گرفته و رابطه‌ای باورپذیر و منطقی از اقدامات، رویدادها و اندرکنش‌های احتمالی میان کنش‌گران را ترسیم می‌کند. بر این اساس، سناریو دارای سه ویژگی ذهنی بودن، نگاه کل‌نگرانه و تصویر کلی از آینده احتمالی است. لذا، وقوع سناریو الزاماً دلیلی بر مطلوبیت آن نیست، بلکه افزایش دانش تصمیم‌سازان برای کنترل شرایط نامطلوب و دستیابی به آینده مطلوب، بر اساس سناریوهای مثبت و منفی، هدف غایی سناریونویسی خواهد بود (بل، ۱۳۹۲: ۱۰۲-۱۱۳).

روش‌های متعددی برای سناریونویسی وجود دارد که هر یک با توجه به داده‌ها و امکانات روشی در مطالعات مختلف کاربرد دارند. در این میان، شاید مدل جیمز دیتور یکی از مرسوم‌ترین و قابل فهم‌ترین روش‌ها در علوم انسانی باشد. جیمز دیتور معتقد است که تحولات کنونی، به آینده شکل می‌دهند؛ بنابراین، شناسایی و تحلیل این تحولات در گذر زمان، ظرفیت ما را در شناسایی آینده افزایش خواهند داد. بر همین اساس، اگر برهم‌کنش میان روندها و عوامل مؤثر در فضای کنونی را بررسی کنیم، به راحتی می‌توانیم سه حالت ممکن در آینده را ترسیم کنیم.

این چهار الگوی کلی عبارت‌اند از:

۱. رشد مداوم: بهبود شرایط فعلی، محصولات بیش‌تر، فناوری بیش‌تر، پیشرفت اقتصادی و ... از مشخصات این سناریو خواهند بود. در این سناریوها، فناوری یک اقدام خاص به عنوان راه‌حل تمام مسائل فرض شده و رشد سازمان یا نظام سیاسی را در پی خواهد داشت.
۲. سیر سقوط: این آینده، نتیجه شکست رشد مداوم است. تناقضات فراوانی که در اطراف ما وجود دارد، منشأ چنین آینده‌ای است. هرگونه ناهم‌خوانی میان اقتصاد و طبیعت، زنان و مردان، مذاهب، رویکردهای سکولار و پست‌مدرن، فناوری، فرهنگ و ... می‌تواند به چنین شرایطی منتهی شود.
۳. وضعیت باثبات: این آینده، گویای توقف رشد و تعادل میان اقتصاد و طبیعت است. در

چنین آینده‌ای، جامعه متعادل‌تر و عادلانه‌تر است. این آینده هم به طبیعت و هم به گذشته بازمی‌گردد. ارزش‌های انسانی حرف نخست را در آن می‌زند و به فناوری معمولاً به‌مثابه یک مشکل نگریسته می‌شود (Dator, 2002).

۳. چارچوب نظری: نظریه نوواقع‌گرایی

نظریه نوواقع‌گرایی در دهه ۱۹۷۰ توسط «کنت والتز» در کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل» (۱۹۷۹) مطرح شد. او با اتخاذ بسیاری از مفروضه‌های نظریه واقع‌گرایی کلاسیک، به ارائه تبیینی ساختاری از رفتار بازیگران در محیط آنارشیک بین‌الملل پرداخت. والتز به دنبال پاسخ این پرسش بود که چرا بازیگران در محیط بین‌الملل، با وجود تفاوت در جنبه‌های مختلفی همچون سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک و... رفتاری مشابه از خود بروز می‌دهند؟ پاسخی که والتز به این پرسش می‌دهد، نگاهی جدید را وارد عرصه تحلیل پویای رفتار بازیگران می‌کند. والتز بر این باور است که نمی‌توان این شباهت را بر اساس ویژگی‌های واحدها توضیح داد و در مقابل، بایستی به برداشتی سیستمی از سیاست بین‌الملل متکی بود. به عبارت دیگر، ساختار آنارشیک سبب می‌شود که بازیگران ادراکات ذهنی خاصی را در خود ایجاد کرده و بر اساس آن رفتار کنند. بنابراین، تأثیرات ساختار بر کارگزاران (بازیگران) سبب می‌شود بازیگران رویه‌های مشابهی را اتخاذ کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

نوواقع‌گرایی، ماهیت و امکان همکاری‌های بین‌المللی را نیز براساس ساختار آنارشیک این نظام تحلیل می‌کند. پیامدهای آنارشیک بودن نظام بین‌المللی دو مانع را بر سر راه همکاری‌های بین‌المللی ایجاد می‌کند: ۱. تقلب؛ ۲. دست‌آوردهای نسبی. این بدان معناست که بر اثر فضای بی‌اعتمادی حاکم بر روابط بین‌الملل، کشورها از ترس فریب خوردن از شریک‌های خود، در ایجاد و تداوم همکاری با کشورهای دیگر محتاط هستند. همچنین، دولت‌ها از آن‌جا که در نظام غیرمتمرکز و خودیار قرار گرفته‌اند، ماهیتی تدافعی دارند و حتی در شرایطی که همکاری آن‌ها در بردارنده سود مطلق باشد، با احتیاط عمل می‌کنند (باقری دولت‌آبادی و شفیعی، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۳).

نظریه نوواقع‌گرایی بر این باور است که مقابله با تهدیدات مشترک یا ادراک از تهدیدات مشترک منجر به اتحاد و ائتلاف میان دولت‌ها به عنوان کنش‌گران اصلی نظام بین‌الملل می‌شود. در این نظریه، با الهام از نظریه بازی‌ها و نظریه انتخاب عقلانی، دولت‌ها به عنوان کنش‌گران عقلانی فرض می‌شوند که با محاسبه سود و زیان خود و در صورت وقوع تهدیدات

مشترک، بر اساس مصلحت، برای رفع تهدیدات دست به اتحاد و ائتلاف با هم‌تایان خود که آن‌ها نیز در معرض چنین تهدیدات مشابهی هستند، می‌زنند. بنابراین، اتحاد و ائتلاف در چنین نظریاتی، عامل دفع تهدید و ایجاد موازنه قدرت در برابر تهدیدگر به شمار می‌رود (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

مفروض واقع‌گرایی ساختاری این است که هر کشوری به دنبال دستیابی به منافع خود است و همکاری در شرایطی که همه به دنبال منافع خود و نسبت به سایر دولت‌ها بی‌اعتماد هستند، تا جایی تداوم می‌یابد که تأمین‌کننده منافع آن‌ها باشد و در صورتی که برخلاف مزیت‌های نسبی برای دولت‌ها باشد، آن‌ها از ادامه همکاری‌ها سر باز خواهند زد. بنابراین، اتحادها و ائتلاف‌ها مسائلی موقتی هستند (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶: ۱۵۵). به طور کلی، از نظر والتز، اتحادها به این دلیل شکل می‌گیرند که دولت‌های ضعیف‌تر باید برای مقابله با قدرت‌های بزرگ با یکدیگر متحد شوند تا در نظام بین‌الملل آنارشیک بقا یابند. از نظر وی، اتحادها هم‌چنین با تغییر الگوی توزیع قدرت تغییر می‌کنند؛ بنابراین، پدیده‌های بسیار موقت به شمار می‌آیند که با رفع تهدیدات و با تغییر الگوی توزیع قدرت، آن‌ها نیز دگرگون می‌شوند (Waltz, 1988: 615-617).

در همین راستا و براساس تهدیدات مشترک و یا درک مشترک از تهدیدات، ایران و روسیه مدتی پس از آغاز بحران سوریه دست به ایجاد یک «ائتلاف» یا شراکت زدند. این ائتلاف که با توجه به شرایط ضروری و از روی اجبار صورت گرفته، فراز و نشیب‌هایی داشته است. اما این واقعیت را نباید نادیده گرفت که ماهیت تعامل میان دو کشور در این موضوع، یک «ائتلاف استراتژیک گزینشی» بوده که بر اساس شرایط قابل تغییر است. روابط دو کشور بر مبنای نزدیکی یا دوری نقش‌آفرینی آن‌ها شکل گرفته است. هم‌سویی یا عدم هم‌سویی نقش دو کشور، به تقابل یا اشتراک منافع آن‌ها بستگی دارد. در کنار این عوامل، باید نقش نیروهای رقیب ایران در جهت‌دهی به روابط ایران و روسیه در سوریه را نیز افزود. این نیروها عبارت‌اند از آمریکا، ترکیه و اسرائیل که به نقش‌آفرینی مؤثری در کم‌رنگ کردن یا پررنگ کردن همکاری ایران و روسیه در سوریه پرداخته‌اند. بر این اساس، روابط دو کشور در آینده قطعاً بر مبنای کنش و واکنش‌های این دو در ارتباط با بحران سوریه تنظیم خواهد شد.

۴. منافع و ملاحظات روسیه در بحران سوریه

در ابتدای تحولات سوریه در سال ۲۰۱۱، روسیه فقط نظاره‌گر این تحولات بود و جز حمایت‌های لفظی، طرح «الگوی روسی» در سال ۲۰۱۱ و نهایتاً طرح پاک‌سازی سوریه از سلاح‌های شیمیایی در سال ۲۰۱۳، حمایت نظامی و لجستیکی چندانی از دولت بشار اسد به عمل نیاورد. با شروع بحران اوکراین و تحریم‌های اروپا، مسکو متوجه شد زمان بی‌تفاوتی به سر آمده و بهترین فرصت برای اقدامات فوری در جهت مقابله با نظام تک‌قطبی و ظهور چندجانبه‌گرایی و نظم چندقطبی ایجاد شده است. در ادامه، با پیچیده‌تر شدن دامنه درگیری‌ها در سوریه و پیش‌روی‌های گروه‌های تروریستی در خاک سوریه و خطر حمله قریب‌الوقوع به مناطق تحت کنترل حکومت سوریه از جمله استان لاذقیه (محل اصلی استقرار نظامی روسیه در سوریه)، بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، از روس‌ها تقاضای مداخله مستقیم نظامی در خاک سوریه برای مقابله با تروریست‌های داعش و النصره را کرد. طولی نکشید که روس‌ها با بررسی و پذیرش این تقاضای بشار اسد نیروهای خود را در سوریه مستقر کردند و در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ به‌صورت مستقیم وارد فاز مداخله نظامی جهت مقابله با پیش‌روی گروه‌های مخالف مسلح و نابودی آن‌ها شدند. اقدام روس‌ها برای مداخله در سوریه علاوه بر اثرات و نتایج میدانی و استراتژیک، از این جهت قابل توجه است که پس از حمله اتحاد شوروی به افغانستان در ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹ تاکنون، چنین مداخله‌ای از جانب آن‌ها بی‌سابقه بوده است.

حال سوال این جاست که اهداف و ملاحظات مسکو از ورود به بحران سوریه چیست؟ در پاسخ باید گفت، علاوه بر اهداف و منافع اقتصادی و نظامی که از گذشته در روابط بین روسیه و سوریه وجود داشته است، تحولات سوریه انگیزه‌ها و ملاحظات سیاسی جدیدی را برای سیاست خارجی روسیه ایجاد کرده است. بنابراین، اهداف و ملاحظات روسیه در حمایت از نظام سیاسی سوریه را می‌توان شامل مجموعه‌ای از اهداف اقتصادی، سیاسی و امنیتی - نظامی به شرح ذیل دانست.

۴-۱. ملاحظات اقتصادی

اقتصاد روسیه با درآمد ناخالص حدود ۲ تریلیون دلار، دوپایه اصلی دارد: از یک طرف، متکی به فروش تسلیحات و جنگ‌افزارهای نظامی به کشورهای دیگر، به‌ویژه کشورهای خاورمیانه از جمله سوریه است و از طرف دیگر، متکی به درآمد صادرات نفت و گاز به‌خصوص به اروپا است. در همین راستا، سوریه یکی از عمده‌ترین دریافت‌کنندگان تسلیحات روسی در جهان است (دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۲). از سال ۲۰۰۵،

سوريه به‌طور فزاينده‌ای واردکننده تسليحات روسی بوده است. بر اساس گزارشی از مؤسسه بين‌المللی تحقيقات صلح استکهلم، واردات سلاح‌های روسی به سوريه در فاصله سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱، نسبت به سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶، ۵۸۰ درصد افزايش يافته است. بر اساس اين گزارش، در سال ۲۰۱۱، سوريه پنجمين خريدار بزرگ تسليحات روسيه با قراردادهایی در حدود ۳/۵-۳/۸ ميليارد دلار بود و روسيه ۷۸ درصد از واردات سوريه را در پنج سال گذشته تأمین کرده است (Troyansky, 2012). جنبه اقتصادی ديگر، حضور شرکت‌های تجاری روسی در سوريه است. در سال ۲۰۰۹، سرمايه‌گذاری روسيه در سوريه بالغ بر ۱۹/۴ ميليارد دلار بود. در سال ۲۰۰۵ نیز مسکو ۷۳ درصد از بدهی‌های سوريه را که بالغ بر ۱۳/۴ ميليارد دلار بود، بخشيد. بخشش اين بدهی‌ها باعث شد تا شرکت‌های روسی به‌ویژه در حوزه انرژی و تسليحات، قراردادهای سودآوری را با اين کشور امضا کنند (Klein, 2012: 4).

۲-۴. ملاحظات سياسي

به‌طور کلی، اهداف سياسي روسيه را می‌توان به دو مورد مشخص تقسيم کرد: نخست اين که روسيه برخلاف بحران اوکراين، از طريق مطرح کردن بحران سوريه، بر «محترم شمردن حق حاکميت دولت‌ها» و اصل «عدم‌مداخله در امور داخلی دولت‌ها» مطابق با خواست و منافع خود تأکید می‌کند. در عمل، اين امر به معنای مخالفت روسيه با تحمیل تحریم‌های اقتصادی یا تهديد به کاربرد زور یا استفاده از زور است. از دیدگاه مسکو، مخالفت روسيه با مداخله نظامی غرب در سوريه از انجام دوباره «سناریوی لیبی» در رویه بين‌المللی جلوگیری می‌کند، چراکه هر مداخله‌ای رویه خطرناکی را ایجاد می‌کند. در واقع، مخالفت روسيه ناشی از اين مسئله است که اگر اصول مزبور بيش از پيش تضعيف شوند، متحدان نزدیک اين کشور، یعنی جمهوری‌های حوزه سابق شوروی که اغلب آن‌ها دموکراتیک نيستند نیز روزی می‌توانند در معرض مداخله خارجی قرار گیرند. در اين راستا، از دیدگاه مقامات کرملین، تمایل فزاينده قدرت‌های بزرگ برای «مداخله در امور داخلی دولت‌های حاکم»، به پيش از انقلاب‌های عربي بازمی‌گردد. در واقع، عدم مداخله در سوريه از سوی کشورهای غربی، بالاتر از هر چیزی، یک سرمايه‌گذاری برای عدم مداخله غرب در مناطق تحت نفوذ و متحدان روسيه در آینده است (Troyansky:2012).

عامل دوم اين که روسيه در نظر دارد با حمايت قاطع از بشار اسد، یک تصوير مثبت از ثابته‌قدمی خود نسبت به متحدان و صف‌بندی‌های سياسي روسيه در سطح جهانی، از جمله کشورهای آسیای مرکزی و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به نمایش بگذارد. در واقع، اين

یک محک بزرگ برای سنجش اعتبار روسیه در حمایت از دوستان و متحدان خود است تا نشان دهد که از تن دادن به سقوط و سرنگونی متحدان خود توسط غرب امتناع خواهد کرد (Allison, 2013: 804).

در نهایت، حمایت صریح روسیه از بشار اسد، ادراک رهبران روسیه مبنی بر تلقی از این کشور به‌عنوان یک قدرت بزرگ را بالا می‌برد. روابط بین روسیه و سوریه، یکی از معدود دارایی‌های روسیه در خاورمیانه است که این کشور موفق شد آن را به نفوذ گسترده‌تر در منطقه ترجمه کند. بحران سوریه نهایتاً روسیه را در کانون توجه بین‌المللی به‌عنوان یک قدرت تأثیرگذار بین‌المللی قرار داد (Troyansky, 2012).

۳-۴. ملاحظات امنیتی - نظامی

پایگاه دریایی طرطوس، اصلی‌ترین انگیزه نظامی روسیه در جهت‌گیری در قبال سوریه است. اگرچه بندر طرطوس هم‌اکنون بیش‌تر پایگاهی برای سوخت‌گیری است و هم‌چنین به دلیل سه دهه عدم سرمایه‌گذاری در آن، از فایده کمی برای ناوگان دریایی برخوردار است، اما این بندر نمایان‌گر جای پای برای روسیه در آب‌های شرقی دریای مدیترانه است؛ به‌طوری‌که روسیه از این طریق می‌تواند احساس کند که در منطقه پایگاهی دائمی دارد. این بندر از موقعیت راهبردی فوق‌العاده‌ای برخوردار است و می‌تواند عملیات نظامی روسیه در خاورمیانه، شمال آفریقا و حتی اروپا را هدایت کند (Allison, 2013: 807-808).

رویکرد و هدف امنیتی دیگر، به نگرانی‌های هویتی و فرهنگی روسیه از قدرت‌گیری اسلام‌گرایان تندرو در سوریه و خاورمیانه و سرایت این موج به داخل مناطق مسلمان‌نشین روسیه و قفقاز برمی‌گردد (دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲: ۹). در نگاه مقامات کرملین، تهدیدات اسلام‌گراهای رادیکال در داخل مرزهای روسیه و همچنین در جمهوری‌های سابق شوروی، از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی این کشور است که باید به هر طریقی جلوی آن گرفته شود. در همین زمینه، مقامات و تحلیل‌گران روسی ابراز نگرانی می‌کنند که سرنگونی اسد می‌تواند باعث هرج و مرج و تهدیدی جدی از سوی گروه‌های اسلام‌گرای افراطی برای نواحی تحت نفوذ روسیه در قفقاز شمالی شود (Allison, 2013: 819).

روسیه نیز به‌مانند ایالات‌متحده، جهت‌دستیابی به اهداف و ملاحظات خود در بحران سوریه، اقدامات عینی و عملیاتی زیادی را انجام داده است. یکی از مهم‌ترین این اقدامات را که برای بقای حکومت سوریه نیاز حیاتی تلقی می‌شود، باید در ممانعت این کشور از تصویب

قطع‌نامه‌های ضدسوری در شورای امنیت و وتوی این قطع‌نامه‌ها دانست. روس‌ها در مجموع، در فرایند بحران سوریه در مقابل تلاش هماهنگ کشورهای غربی برای تصویب قطع‌نامه‌های مداخله‌جویانه جهت اقدام نظامی در سوریه، چهار مرتبه قطع‌نامه‌های پیشنهادی علیه حکومت سوریه را وتو کردند. ایالات‌متحده و کشورهای غربی که تلاش می‌کردند قطع‌نامه‌های دیگری را به دنبال قطع‌نامه ۲۱۱۸ برای متهم کردن سوریه در شورای امنیت به تصویب برسانند، با مخالفت قاطع و وتوی روسیه مواجه شدند. در مجموع، روسیه توانست ده قطع‌نامه پیشنهادی شورای امنیت را که شامل اقدام نظامی علیه حکومت سوریه نیز بود، وتو کند.

یکی از مهم‌ترین قطع‌نامه‌های وتوشده توسط روسیه را باید قطع‌نامه شماره ۷۱۸۰ مورخ ۲۲ می ۲۰۱۴ دانست که روس‌ها با وتوی آن، مانع از اقدام نظامی علیه حکومت سوریه مطابق فصل هفتم منشور سازمان ملل شدند (Stea, 2014). مسئله جالب‌توجه این است که روسیه از آغاز شکل‌گیری بحران سوریه، چهار مرتبه قطع‌نامه‌های پیشنهادی شورای امنیت را وتو کرد، اما در طول حدود ۱۲ سال از آغاز بحران پرونده هسته‌ای ایران تاکنون، هیچ قطع‌نامه‌ای در شورای امنیت علیه ایران را وتو نکرده است. این مسئله می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت سوریه و حفظ بشار اسد برای روسیه باشد. علاوه بر حمایت‌هایی که روسیه در قالب وتوی قطع‌نامه‌های ضدسوری در شورای امنیت از بشار اسد داشته است، این کشور علی‌رغم فشارهای بین‌المللی، کمک‌های نظامی-تسلیحاتی خود به سوریه را نیز تداوم و گسترش داده است. در همین زمینه، در اوایل سال ۲۰۱۳، آناتولی ایسایکین^۱، مدیرکل شرکت تجارت نظامی دولتی روسیه اظهار داشت که روسیه همچنان به عرضه سامانه‌های دفاع هوایی و سیستم‌های تعمیر و نگهداری تجهیزات نظامی به سوریه ادامه خواهد داد (Wezeman, 2013: 269-270).

۵. منافع و ملاحظات ایران در بحران سوریه

اتحاد بین ایران و سوریه را نه‌تنها در منافع ملی مشترک و یا ارزش‌های دینی مشترک، بلکه باید در وجود منافع تاکتیکی و نیز راهبردی بین این دو کشور جستجو کرد (Price, 2013: 11-12). روابط ویژه ایران با سوریه که سابقه آن به بیش از سه دهه قبل می‌رسد، در پی بروز بحران در سوریه و وقوع انقلاب در کشورهای عربی با مشکلاتی مواجه شد و روابط دو کشور هدف قرار گرفت. مخالفین ایران مدعی هستند که این کشور در قبال قیام در بحرین و سوریه، دو رویکرد به‌طور کامل متفاوت را در پیش گرفته است و درحالی‌که به حمایت از مبارزان در بحرین علیه

رژیم آل خلیفه می‌پردازد، در سوریه از رژیم بشار اسد حمایت می‌کند. اما ایران، در پاسخ به انتقادات فوق، به این نکته اشاره می‌کند که در سوریه برخلاف بحرین که اکثریت مردم با رژیم آن کشور مخالفاند و فقط اقلیتی ضعیف حامی دولت هستند، موضوع به‌طور کامل برعکس است و بیشتر مردم از دولت سوریه پشتیبانی می‌کنند و مخالفین را اقلیتی از گروه‌هایی مانند القاعده و اخوان المسلمین، با گرایش‌های سلفی تشکیل می‌دهند که در شهرهای مرزی مستقر بوده و از حمایت مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی قدرت‌های خارجی برخوردار هستند. جمهوری اسلامی ایران دو دلیل و هدف عمده را در حمایت از نظام سیاسی سوریه دنبال می‌کند. یکی، نگاه راهبردی به سوریه در راستای افزایش نفوذ و قدرت منطقه‌ای خود و دیگری حفظ محور موسوم به مقاومت که در همپوشانی با عامل و هدف نخست قرار دارد.

۵-۱. حفظ موقعیت راهبردی و افزایش نفوذ منطقه‌ای

نگاه راهبردی ایران به سوریه یکی از دلایل حمایت تهران از دمشق در تحولات اخیر بوده است. برای ایران، سوریه به‌منزله عاملی برای حرکت روبه‌جلو در منطقه، یک سپر و ضربه‌گیر استراتژیک و ابزاری برای پروژه قدرت و نفوذ خود در خاورمیانه است. با توجه به شرایط منطقه، هر جایگزین جدید برای بشار اسد که احتمالاً سنی مذهب است، همکاری و پیمان استراتژیک ایران و سوریه را که برای ایران جنبه حیاتی دارد، به مخاطره می‌اندازد. به همین دلیل، سوریه شاید تنها کشور در تحولات موسوم به «بهار عربی» است که می‌تواند جغرافیای سیاسی منطقه و اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای را دگرگون کند. به همین جهت، بحران سوریه یک تهدید بزرگ برای موقعیت استراتژیک ایران در منطقه و یک فرصت طلایی برای کشورهای سنی منطقه که با قطع اتحاد ایران و سوریه، توازن قوای منطقه‌ای را به نفع خود تغییر دهند (Chubin, 2012: 30-31). در نتیجه، از این منظر، ایران وضعیت و رقابت به وجود آمده در بحران سوریه را یک بازی با حاصل جمع جبری صفر تلقی می‌کند که در صورت سقوط نظام سیاسی فعلی، می‌تواند تبعات و خطرات زیادی را برای ایران در منطقه به وجود آورد (Goodarzi, 2013: 3).

۵-۲. حفظ «محور مقاومت»

اصطلاح محور مقاومت، نمایان‌گر اتحاد میان جمهوری اسلامی ایران، سوریه و قوی‌ترین بازیگران غیردولتی عرب شامل حزب‌الله لبنان و برخی گروه‌های فلسطینی است که همواره در خط مقدم مخالفت و مبارزه با اسرائیل، رد سیاست‌های غرب (به ویژه ایالات متحده) در خاورمیانه و مخالفت با سیاست‌های برخی رژیم‌های محافظه‌کار عرب منطقه از جمله عربستان سعودی گام

برداشته‌اند. به همین جهت است که جمهوری اسلامی ایران، تحولات اخیر در سوریه را یک طرح و برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده و هماهنگ شده با سیاست‌های ایالات متحده، اسرائیل و برخی کشورهای عربی مثل عربستان سعودی می‌داند (Mohns and Bank, 2012: 1). بنابراین، حفظ محور موسوم به مقاومت که یک جبهه ضد اسرائیلی-ضد آمریکایی است و سوریه نیز نقش محوری در آن دارد، برای جمهوری اسلامی ایران از اهمیت راهبردی برخوردار است. توجه به این جمله رهبر جمهوری اسلامی ایران در مورد مبارزه با اسرائیل می‌تواند به درک هر چه بهتر حمایت ایران از سوریه کمک کند: «ما از هر ملت و دولتی که علیه رژیم صهیونیستی در سراسر جهان مبارزه کند، حمایت خواهیم کرد». در واقع یکی از دلایل اصلی و شاید مهم‌ترین دلیل حمایت ایران از دولت اسد را باید در همین جمله جستجو کرد (Wehrey and Sadjadpour, 2014). همچنین، علی‌اکبر ولایتی، وزیر خارجه پیشین ایران و مشاور مقام معظم رهبری، در ۶ ژانویه ۲۰۱۲ گفته بود: «آنچه در سوریه در جریان است، اگرچه یک موضوع داخلی است، اما در اصل یک درگیری میان محور مقاومت و دشمنان آن در منطقه و جهان است. ایران نیز به هیچ وجه شکستن محور مقاومت را که سوریه نیز جزئی از آن است، تحمل نخواهد کرد» (Goodarzi, 2013: 2).

۶. منافع و ملاحظات مشترک ایران و روسیه در سوریه

یکی از ویژگی‌های بارز رابطه بازیگران در صحنه سیاست بین‌الملل، نسبی بودن روابط است. این ویژگی ماهوی، پایه تنظیم اهداف و منافع هر کشور در تعیین رابطه دوستانه، خصمانه و یا بی‌طرفانه با سایر کشورها به شمار می‌رود. بدیهی است که ایران و روسیه به عنوان دو بازیگر در صحنه سیاست بین‌الملل نیز از این قاعده ماهوی مستثنی نیستند. در واقع، فراز و نشیب‌های روابط دو کشور در طی چند سده اخیر را نیز باید در همین قاعده جستجو کرد که در مقاطع مختلف تاریخی، موجب نزدیکی و یا دوری دو طرف از یکدیگر شده است. تحولات پرشتاب و پیچیده خاورمیانه، به ویژه سوریه، از جمله نقاط عطف تاریخی در روابط تهران-مسکو به شمار می‌رود که علی‌رغم وجود برخی اختلافات میان دو کشور که در ادامه بدان‌ها پرداخته می‌شود، موجب شده نقاط اشتراک قابل توجهی در روابط ایران و روسیه شکل بگیرد.

۶-۱. مقابله با نفوذ غرب؛ هدف اصولی مشترک

هم ایران و هم روسیه به دلایل مختلف تاریخی، ژئوپلیتیکی و حفظ منافع و امنیت ملی خود، با گسترش حوزه نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی جهان غرب در مناطق پیرامون خود

مخالف هستند. از این-روست که تهران و مسکو طی سال‌های اخیر، مواضع انتقادی مشابهی را در قبال اتخاذ رویکردهای یک جانبه در مناسبات بین‌الملل از سوی ایالات متحده، گسترش ناتو به شرق، طرح استقرار سپر دفاع موشکی در جمهوری چک و لهستان و سپس در ترکیه، وقوع انقلاب‌های رنگی در مناطق پیرامونی روسیه، فعالیت نهادهای فرهنگی و سیاسی غرب‌گرا و گسترش دامنه فعالیت‌های اقتصادی غرب به‌ویژه در حوزه انرژی داشته‌اند (Therme, 2017). از این زاویه، نگرش هر دو کشور به تحولات کنونی سوریه را باید در نگرانی مشترک از گسترش دامنه نفوذ غرب در منطقه استراتژیک خاورمیانه دانست. روس‌ها به خوبی بر این نکته واقف‌اند که در صورت سرنگون شدن نظام سیاسی کنونی سوریه (در صورت نقش نداشتن در نظام سیاسی آینده) کل منطقه زیر سلطه غرب، به‌ویژه آمریکا می‌رود و این برای روسیه‌ای که در حال احیا شدن است، یک زیان بزرگ تلقی می‌شود. ایران نیز سوریه را نقطه مهم و استراتژیک در محور مقاومت علیه اسرائیل و جهان غرب در منطقه می‌بیند. از این رو، سقوط دولت کنونی و روی کار آمدن یک دولت غرب‌گرا به هیچ عنوان در راستای منافع استراتژیک ایران و روسیه قرار ندارد. اهمیت این مسئله تا بدان جاست که روسیه بر خلاف تحولات کشورهای دیگر خاورمیانه به‌ویژه لیبی، با تمام قدرت وارد صحنه تحولات سوریه شده است.

۲-۶. حفظ فشار اسد؛ هدف مشترک کوتاه‌مدت

ایران و روسیه از آغاز بحران سوریه تاکنون، هدف مهم و مشترکی را دنبال کردند و آن هم جلوگیری از سقوط نظام سوریه و فشار اسد بود. در واقع، در مقابل رویکرد و تلاش معارضان داخلی و حامیان غربی و عربی آن‌ها برای سرنگونی فشار اسد، روسیه و ایران با همکاری و هماهنگی سیاسی و عملیاتی با یکدیگر، مانع از تحقق این هدف جبهه مقابل شدند. با این حال، بسیاری از ناظران و تحلیل‌گران معتقدند این هدف مشترکی بوده که تداوم نخواهد داشت و در نهایت چنانکه در ادامه خواهد آمد، منجر به مهم‌ترین اختلاف ایران و روسیه در سوریه خواهد شد.

۲-۶. مقابله با گروه‌های افراط‌گرا؛ هدف امنیتی مشترک

آخرین نگرانی مشترک ایران و روسیه را باید نگرانی از به قدرت رسیدن افراط‌گرایان وابسته به جریان‌های سلفی و وهابی در سوریه دانست. بخش مهمی از جریانات مخالف دولت سوریه را این جریانات تشکیل می‌دهند که به شدت از سوی کشورهای عربی، به‌ویژه عربستان سعودی پشتیبانی می‌شوند. در نگاه مقامات کرملین، تهدیدات اسلام‌گراهای رادیکال در داخل مرزهای روسیه و هم‌چنین در جمهوری‌های سابق شوروی، از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی روسیه است

که باید به هر طریقی جلوی آن گرفته شود. در همین زمینه، مقامات و تحلیل‌گران روسی ابراز نگرانی می‌کنند که سرنگونی اسد می‌تواند باعث هرج‌ومرج و تهدیدی جدی از سوی گروه‌های اسلام‌گرای افراطی برای نواحی تحت نفوذ روسیه و قفقاز شمالی شود. البته عده زیادی معتقدند که این ادعای مقامات روسیه ابزاری است برای رسیدن به اهداف خود و حمایت از بشار اسد (Allison, 2013: 819). ایران نیز از جهت‌گیری‌های ضدایرانی و ضدشیعی این جریان‌ها به خوبی آگاه است. از این‌رو، علاوه بر نگرانی نسبت به حاکمیت رویکردهای غرب‌گرایانه، ایران و روسیه از قدرت‌یابی جریان‌های سلفی و وهابی نیز در سوریه شدیداً احساس خطر می‌کنند که این امر نیز بر نزدیکی هر چه بیشتر مواضع دو کشور بسیار تأثیرگذار بوده است.

۷. منافع و ملاحظات متعارض ایران و روسیه در سوریه

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در مورد پایان دادن به جنگ خونین سوریه باید مورد توجه قرار گیرد، قابلیت دوام شراکت مسکو و تهران است. همکاری قابل توجه ایران و روسیه در عملیات‌های خود در سوریه، خط بطلانی بر یک قرن عدم اعتماد میان دو کشور کشید. با فروپاشی اتحاد شوروی، روابط دو کشور متحول شده بود، اما اهداف درازمدت این دو هم‌چنان در مقابل یکدیگر قرار داشت. اختلافات میان ایران و روسیه بر سر آینده سوریه، ظاهراً کاملاً جدی است؛ اما این اختلافات آشکار نیستند، زیرا این دو کشور در حال حاضر تلاش می‌کنند به اهداف مشترک و کوتاه‌مدت خود دست یابند. به تعبیر «کریستوفر فیلیپس»، کارشناس سوری چتم هاوس، روسیه و ایران در وضعیتی مابین دوستی و دشمنی در کنار یکدیگر در سوریه قرار گرفتند. بر این اساس، اگرچه ممکن است طرفین در کوتاه‌مدت اشتراک منافع داشته باشند، اما در درازمدت منافع آن‌ها در تعارض با یکدیگر قرار دارد (The Financial Times, 2015).

بنابراین، ماهیت مواضع بازیگران خارجی در پرونده سوریه، حتی در درون یک جبهه نیز متفاوت از یکدیگر است. به عبارت روشن‌تر، این بازیگران بر اساس منافع خود در سه سطح «همکاری»، «رقابت» و «تقابل» با موضوع سوریه رفتار می‌کنند. بنابراین، بروز اختلاف حتی در درون یک جبهه نیز اجتناب‌ناپذیر و قابل مشاهده است. در همین راستا، ایران و روسیه نیز علی‌رغم اشتراکاتی که در بالا بدان اشاره شد، اختلافاتی با یکدیگر دارند که به نظر می‌رسد در بلندمدت باید شاهد نمایان شدن آن‌ها باشیم. ایران نگران این است که دست‌رنج خود در سوریه را که حاصل چند سال مقاومت در برابر معارضین و داعش بوده است، به طور کامل در دست روسیه ببیند. این موضوع هم نگران‌کننده است و هم ایران را در خصوص آینده سوریه کمی

محتاط می‌کند. محتمل است که روسیه و غرب دیر یا زود در زمینه انتقال سیاسی در سوریه به توافق برسند. ایران در این فرایند، نگران است که منافع خود را از دست‌رفته ببیند. تهران البته راه خود را از مدت‌ها پیش مشخص کرده و با تشکیل ارتش داوطلب مردمی در سوریه به دنبال بدیلی برای نظام فعلی سوریه بوده است (Khatib, 2017)، ولی همچنان این نگرانی وجود دارد که روسیه به بده‌بستانی با غرب روی آورد که برنامه‌های بالقوه ایران را نیز حتی تحت‌الشعاع قرار دهد. کما این که پس از خروج آمریکا از برجام، اختلافات ایران و روسیه بیش از پیش نمایان شد که این اختلاف در دیدار ۱۷ می ۲۰۱۸ میان ولادیمیر پوتین و بشار اسد در سوچی روسیه خود را نشان داد. جایی که پوتین از اسد خواست نیروهای خارجی خاک سوریه را ترک کنند. یک روز بعد، «الکساندر لاورنتیف» درباره اظهارنظر پوتین گفت: «این اظهارات درخصوص همه گروه‌های نظامی خارجی در سوریه، از جمله آمریکایی‌ها، تُرک‌ها، حزب‌الله لبنان و ایرانی‌هاست». او همچنین تأکید کرد که اظهارات رئیس‌جمهوری روسیه در این باره، حاوی «پیامی سیاسی» است (foreignpolicy, 2018). بلافاصله پس از این اظهارات، مقامات ایرانی واکنش نشان دادند و اعلام کردند خروج نیروهای ایرانی از سوریه صرفاً به خواست دولت سوریه انجام خواهد شد (The Middle East Institute, 2018).

بر این اساس، همان‌طور که گفته شد، اهداف مشترک و ضروری موجب شده است تا ایران و روسیه در کوتاه‌مدت در سوریه با یکدیگر متحد شوند و این اتحاد احتمالاً بر ضد نفوذ غرب در بلندمدت خواهد بود. با این حال، در زمینه برخی از جنبه‌های مهم درباره آینده سوریه، از جمله ماهیت دولت و بازسازی ارتش این کشور، آینده بشار اسد و همچنین مسئله حزب‌الله اختلافات میان تهران و مسکو ظاهر خواهد شد. لذا می‌توان گفت که اختلافات میان مسکو و تهران اختلافاتی هستند که بر سر آینده سوریه بروز خواهند کرد.

۷-۱. سرنوشت بشار اسد؛ هدف بلندمدت متعارض

در شرایطی که ایران به کرات اعلام کرده که برکناری اسد خط قرمز این کشور است و هرگونه پیش‌شرط نبودن اسد غیرقابل قبول است، روسیه انعطاف بیش‌تری در این زمینه از خود نشان داده است. به گفته وزیر خارجه روسیه، رویکرد مسکو به اسد مانند رویکرد واشنگتن به آنکارا نیست. لاوروف در مصاحبه با خبرگزاری اسپوتنیک در تاریخ ۴ مه ۲۰۱۶، به روشنی از این نکته پرده برداشت و گفت: «بشار اسد متحد ما نیست. ما در جنگ علیه تروریسم و برای حفظ یک پارچگی سوریه از او حمایت می‌کنیم، ولی او به حدی که ترکیه متحد نزدیک آمریکاست،

متحد روسیه قلم داد نمی‌شود» (Sputnik, May 2016). این دقیقاً نقطه افتراق راهبرد تهران و مسکو در جنگ داخلی سوریه است. علی اکبر ولایتی، مشاور ارشد رهبر جمهوری اسلامی ایران در امور بین‌الملل، تاکنون چندین بار تصریح کرده که «شخص بشار اسد» خط قرمز جمهوری اسلامی است. سرلشکر جعفری، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در این زمینه گفته: «روس‌ها در دو موضوع با تهران موضع مشترکی ندارند: سرنوشت نظام رئیس جمهور بشار اسد و حزب‌الله». او تأکید کرد که درباره رئیس جمهور سوریه، دیدگاه ایران و روسیه مشترک نیست. ایران بر این نظر است که گزینه جایگزینی برای بشار اسد نیست و او خط قرمزی است که به هیچ وجه نباید از آن عبور کرد (The Financial Times, 2015).

به بیان دیگر، استراتژی تهران در سوریه بر اساس حفظ بشار اسد در قدرت ترسیم شده، در حالی که استراتژی روسیه بر اساس حفظ منافع این کشور در ارتباط با قدرت‌های بین‌المللی تدوین شده است. روشن است که این دو استراتژی تا اندازه‌ای هم‌پوشانی دارند، ولی نکته مهم این است که این دو در بسیاری از موارد نیز هم‌پوشانی ندارند. از نظر روسیه، اسد می‌تواند در قدرت باقی بماند، اما نه به هر قیمتی. سخنان مقامات روسیه نشان می‌دهد که اسد خط قرمز آن‌ها نیست و هرگونه دولت غیرافراطی و سکولار که بتواند ثبات در سوریه را حفظ کند، برای روسیه قابل قبول است. این رویکردی است که می‌تواند در بلندمدت منجر به اختلاف جدی ایران و روسیه در سوریه شود.

۲-۷. نقش حزب‌الله لبنان

یکی از این اختلافات بنیادین در روابط میان ایران و روسیه در سوریه، ریشه در رابطه نزدیک اسرائیل و روسیه دارد که تا حدودی نیز متأثر از سیاست‌های ضداسرائیلی ایران و فعالیت‌های حزب‌الله است. اسرائیل به شدت از قدرت‌یابی حزب‌الله در سوریه و مرزهای خود نگران است. این نگرانی‌ها ناشی از چند عامل مهم است: نخست، بهبود و تقویت مهارت‌های نظامی حزب‌الله که ناشی از تجربه ۵ ساله این گروه در سوریه است؛ تجربه‌ای که بدون شک می‌تواند در برابر اسرائیل به کار گرفته شود. نگرانی دوم اسرائیل که یک عامل اختلافی میان ایران و روسیه بوده، انتقال سلاح‌های روسی به حزب‌الله از انبارهای تسلیحاتی سوریه بوده است. ایران پیش‌تر به روسیه وعده داده بود که تجهیزات پیشرفته نظامی را که از روسیه دریافت می‌کند، در اختیار حزب‌الله لبنان قرار ندهد؛ اما به گفته مقامات و رسانه‌های اسرائیلی، ایران به این قول خود پایبند نبوده و موشک‌های زمین به هوای اس‌ای ۲۲ را که از روسیه خریداری کرده، در اختیار

حزب‌الله لبنان قرار داده است. این موضوعی است که همواره موجب نگرانی اسرائیل بوده و روسیه نیز بنا به درخواست اسرائیل بارها از ایران خواسته از انتقال سلاح به حزب‌الله جلوگیری کند (Eichner, 2017). پوتین هم‌چنین تلاش کرده است تا به اسرائیل اطمینان دهد که حضورش در سوریه و توافق با ایران برای تحویل سامانه‌های دفاع موشکی اس ۳۰۰ منجر به افزایش آسیب‌پذیری اسرائیل مقابل موشک‌های حزب‌الله نخواهد بود.

۳-۷. ساختار سیاسی آینده سوریه

ایران و روسیه در جهت‌گیری سیاسی آینده دولت سوریه نیز اختلاف دارند. برای ایران مهم است که نظام سیاسی سوریه در آینده موضعی ضداسرائیلی داشته باشد و هم‌چنان پلی میان تهران و حزب‌الله شود. در عوض، روسیه خود را نگران این مسائل نمی‌کند و تلاش دارد از آن فاصله بگیرد. در واقع، اسرائیل و روسیه به طور مستمر جلساتی در سطوح سیاسی و نظامی برای یافتن زمینه‌های مشترک در سوریه برگزار کرده‌اند. آن‌ها موافقت کرده‌اند از روبرویی‌های نظامی احتمالی در آسمان سوریه پرهیز کنند و روسیه حتی خود را متعهد کرده تا مانع دستیابی حزب‌الله به سلاح‌های روسی شود (i24news, 2017). این کشور هم‌چنین متعهد شده است که مانع اقدامات شبه‌نظامیان حامی دولت سوریه و نیروهای حزب‌الله بر ضد اسرائیل در بلندی‌های جولان شود. اسرائیل بر خلاف متحدان غربی خود، موضعی منفی در قبال حضور نظامی روسیه در سوریه اتخاذ نکرده است و این نشان می‌دهد که مسکو لزوماً مایل نیست نظام سیاسی آینده سوریه هم‌چنان موضعی ضد اسرائیلی داشته باشد (Cohen, 2018).

در مقابل، ایران همیشه بر ضرورت حفظ دولت مرکزی سوریه تأکید کرده، اما گهگاهی مقامات روسیه حمایت خود از فدرالیسم را بیان کرده‌اند. روس‌ها مخالف سیستم سیاسی فدرال در سوریه نبوده و در واقع از آن حمایت می‌کنند. مسکو فدرالیسم را راه حلی برای حفظ موقعیت ژئوپولیتیک خود در غرب سوریه و هم‌چنین تقویت روابط با سایر بازیگران داخلی می‌بیند (Isaev; Zakharov, 2017). تهران مخالف هرگونه نقشه برای تجزیه و یا فدرالی کردن سوریه است، زیرا خودمختاری کردها می‌تواند تأثیر احتمالی روی کردهای ایران بگذارد.

۴-۷. ساختار ارتش سوریه

ریشه‌های نفوذ روسیه در سوریه- چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ جغرافیایی- با حکومتی سکولار و نهادهایی همچون ارتش گره خورده است. در واقع، ارتش سوریه به طور سنتی به روسیه وابستگی زیادی داشته و منافع استراتژیک روسیه از پایگاه نظامی آن در

طرطوس تا سرزمین‌های علوی و لاذقیه قرار دارد. در مقابل، منافع استراتژیک ایران در جنوب سوریه تعریف می‌شود. دولت ایران بیش از تلاش برای ایجاد نهادهای دولتی در سوریه، به دنبال تقویت نیروهای دفاع ملی و نیروهای علوی و شیعه است. زمانی که ایران متوجه شد ارتش سوریه در آستانه سقوط است، تلاش کرد نیروهایی متشکل از داوطلبان را تشکیل بدهد. در نتیجه، نیروی گسترده‌ای از علوی‌ها را تشکیل داد. آن‌ها اکنون نیروی اصلی در سوریه هستند که با گروه‌های مختلفی از معارضین مسلح می‌جنگد و قدرت‌مندتر از ارتش سوریه هستند. بر اساس گزارش‌ها، حدود بیست هزار شیعه از عراق، لبنان و افغانستان نیز به آن‌ها ملحق شده‌اند. این نیروها احتمالاً نقش مهمی در آینده سوریه ایفا خواهند کرد. به علاوه، گفته می‌شود که جمهوری اسلامی امیدوار است از آن‌ها به عنوان جایگزینی مناسب برای دولت اسد استفاده کند. این راهبرد فقط در مورد سوریه استفاده نمی‌شود، بلکه سیاست ایران در قبال عراق، لبنان و حتی یمن نیز به همین ترتیب است. در عراق، گروه‌های شیعه تحت حمایت ایران، اکنون ستون‌های اصلی نیروهای مسلح این کشور را تشکیل می‌دهند و در تأمین امنیت این کشور نقش عمده‌ای ایفا کرده‌اند (Rafizadeh, 2016).

بر این اساس، مبارزه قدرت بر سر آینده گروه‌های شیعی تحت حمایت ایران در سوریه و نیروهای دفاع ملی می‌تواند یکی از مواردی باشد که منجر به بروز اختلاف میان ایران و روسیه شود. به گفته دیپلمات‌های روسی، روسیه پیشنهاد داده است که این نیروها به بخشی از نیروهای نظامی دولت اسد تبدیل شوند. اما چگونگی پیاده کردن این پیشنهاد بسیار مهم است. برخی از کارشناسان عملی شدن این طرح را مورد تردید قرار داده‌اند. بدون شک، موضوع نیروهای دفاع ملی و ادغام آن در ارتش سوریه مورد پسند ایران نخواهد بود. ایران از سه سال پیش با کمک نیروهای حزب‌الله، اقدام به تشکیل این گروه به عنوان مجرای برای حفظ نفوذ خود در سوریه کرده است (The Financial Times, November, 2015).

۵-۷. سایر عوامل اختلاف‌زا

فارغ از عوامل فوق‌الذکر، نوع تعامل و همکاری میان ایران و روسیه، تابعی از نوع تعامل و یا تقابل آن‌ها با دیگر بازیگران از جمله اسرائیل و عربستان و یا مسائل دیگر از جمله حوزه انرژی است. روسیه دارای قدرت منحصر به فردی برای ایجاد تفاهم، تعادل و ایجاد توازن بین تمام طرف‌های درگیر در بحران سوریه است. در همین راستا، به نظر می‌رسد یکی از اصول کلی راهبرد روسیه در سوریه، ایجاد توازن قدرت میان محور ایران، از یک سو و اسرائیل، از سوی دیگر

است. همکاری ایران و روسیه در سطوح بالا، در زمانی است که نوبت به مقابله با نیروهای مسلح هوادار غرب و مخالف اسد در سوریه می‌رسد، اما زمانی که نوبت مسئله اسرائیل است، وضعیت متفاوت می‌شود. روسیه به اسرائیل تعهد داده که به امنیت ملی اسرائیل احترام می‌گذارد. همین مسئله یکی از عوامل بدبینی تهران و مسکو به یکدیگر بوده است.

از سوی دیگر، نباید منافع متضاد دو طرف در بازار انرژی و تأثیر آن بر تعامل آن‌ها در سوریه را نادیده گرفت؛ به طوری که، در ماه ژوئن ۲۰۱۸ روسیه اتحادی را با عربستان در زمینه افزایش تولید نفت ترتیب داد که در تضاد کامل با منافع ایران قرار داشت. همچنین، در سالیان اخیر، دوری و نزدیکی روسیه و آمریکا نیز بر تعامل یا رقابت میان تهران و مسکو اثر قابل توجهی گذاشته است؛ بدین معنا که هر گاه روابط مسکو و واشنگتن تقویت می‌شد، شاهد اظهار نظرهایی از سوی کرملین بودیم که واگرایی را با تهران بیشتر می‌کرد.

۸. سناریوهای بدیل

به طور کلی، در زمینه آینده شراکت ایران و روسیه در سوریه، سه وضعیت یا سناریو احتمال وقوع دارد:

۸-۱. وضعیت پایدار

در وضعیت پایدار، شراکت تهران-مسکو با همین وضعیت ادامه پیدا می‌کند. ادامه اختلافات میان واشنگتن و مسکو و دور شدن آن‌ها از توافقات صلح با یکدیگر، نیاز روسیه به حضور ایران در عرصه میدانی و ادامه روند آستانه، از جمله پیش‌ران‌هایی هستند که می‌توانند منجر به تداوم وضعیت فعلی در روابط میان ایران و روسیه در سوریه شود. به نظر می‌رسد، تحولات به سمتی در حال حرکت است که نمی‌توان احتمال تداوم این وضعیت را چندان بالا دانست.

۸-۲. رشد مداوم و بهبود شرایط

در وضعیت رشد مداوم و بهبود شرایط، انتظار می‌رود شراکت ایران و روسیه مستحکم‌تر شود. در واقع، این وضعیتی فراتر از وضعیت بالاست که منجر به تعریف جایگاه هر بازیگر در نزد دیگری در معادلات راهبردی می‌شود. شکست جمهوری خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای در نوامبر ۲۰۱۸ و احتمال تشدید سیاست‌های ضدروسی در کنگره، حمله آمریکا یا متحدان غربی به سوریه، قدرت‌یابی مجدد گروه‌های تروریستی در سوریه، از جمله پیش‌ران‌های تحول‌ساز است که می‌توانند به بهبود شرایط و رشد همکاری‌های میان تهران و مسکو منجر شوند. با این

حال، به نظر می‌رسد عوامل واگرایی میان ایران و روسیه عمیق‌تر از پیش‌ران‌های فوق است و چندان نمی‌توان به تحقق این وضعیت امیدوار بود.

۳-۸. سیر سقوط

سیاری از ناظران و محققان روسی و ایرانی بر این عقیده‌اند که با نزدیک شدن به مرحله پایان بحران در سوریه، اختلافات میان ایران و روسیه خود را نشان خواهند داد و این دو، از شراکت به سمت رقابت گام خواهند برداشت. این وضعیتی است که می‌توان آن را «سیر سقوط» دانست. هرگونه توافق میان پوتین و ترامپ در مورد آینده سوریه، فشار روسیه بر ایران برای خارج کردن نیروهایش از سوریه، توافق با اسرائیل در جنوب و جنوب غربی سوریه، توافق با ترکیه در مرزهای شمالی سوریه، تلاش مسکو برای سهم نکردن ایران در بازسازی سوریه، واگرایی در بازار انرژی، تشدید اختلافات آن‌ها در مورد آینده حضور حزب‌الله در سوریه، آینده اسد، آینده ارتش و ساختار سیاسی سوریه، از جمله عواملی هستند که می‌توانند مسیر روابط و شراکت ایران را در سراسری سقوط قرار دهد. با توجه به تحولات جدید در محیط سیاسی و میدانی سوریه، این وضعیت احتمال وقوع بیش‌تری در مقایسه با دو وضعیت بالا دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که سیاست روسیه در قبال سوریه، سیاست عمل‌گرایی حداقلی است. عمل‌گراست، چون هدف این است که منافع مشخص روسیه در سوریه - حفظ امنیت پایگاه‌های نظامی روسیه و دسترسی به دریای مدیترانه - حفظ شود و حداقلی است، زیرا روس‌ها مصالحه یا همکاری با آمریکا بر سر هر موضوعی غیر از منافع اصلی را رد نمی‌کنند. مهم‌ترین هدف روس‌ها، حفظ منافع ژئوپولیتیکی در غرب سوریه است. در واقع، روسیه بعد از احتمال رسیدن معارضین مسلح به مناطق غربی بود که به سوریه ورود نظامی پیدا کرد. روس‌ها بر سر این قضیه مصالحه نمی‌کنند. با این حال، سیاست ایران در قبال سوریه، ایدئولوژیک و حداکثری است. ایدئولوژیک است، زیرا گرایش ایدئولوژیک دولت آینده سوریه برای ایران اهمیت زیادی دارد و حداکثری است، چون ایران آماده مصالحه بر سر هیچ کدام از مبانی صحبت شده نیست.

بر این اساس، باید گفت فاصله میان تحقق اهداف ژئواستراتژیک روسیه و ایران در سوریه، با محاسبه میزان هزینه‌هایی هر یک از طرفین، زیاد بوده و نمی‌تواند در درازمدت این دو شریک موقت را به طور کامل در کنار یکدیگر قرار دهد. به عبارت دیگر، بزرگ‌ترین هدف مسکو، حفظ یک دولت وابسته به خود در دمشق و حفظ شهرهای بندری شرق مدیترانه برای ناوگان دریایی خود است. این درحالی است که ایران نیازمند حفظ سوریه یا حداقل نیمه جنوبی این کشور، برای تداوم جریان حمایت خود از حزب‌الله لبنان است. طبیعی است در صورت تحقق اهداف روسیه، این کشور دلیلی برای پافشاری بر تداوم وضعیت کنونی نخواهد داشت و این همان زنگ هشدار است که از ابتدای این بازی برای تهران به صدا درآمده است (Qaidaari, 2016). در نهایت، می‌توان گفت، تهران چاره‌ای جز امید بستن به همکاری در ابعاد کوتاه‌مدت و تاکتیکی با شریک روس خود در سوریه نداشته و در درازمدت، میان دوراهی ورود تمام-عیار به جنگ سوریه و عقب‌نشینی از اهداف خود قرار خواهد گرفت؛ مسئله‌ای که هم‌اکنون منجر به بروز بحثی جدی میان دو جناح موافق و مخالف حضور و فعالیت ایران در سوریه در داخل کشور شده است.

سرانجام، با توجه به افزایش احتمال واگرایی روابط ایران و روسیه و چالش‌های پیش روی ایران در سوریه، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران عرصه سیاست خارجی و امنیت ملی باید به نکاتی که در ادامه می‌آید توجه کنند:

نخست، هیچ یک از دولت‌های بزرگ و از جمله روسیه، حاضر نیستند به خاطر ایران با آمریکا یا حتی اسرائیل درگیر شوند؛ آن‌ها خود مسایل بسیاری با آمریکا دارند. بنابراین، نیروی خود را

برای حل این مشکلات و نه دفاع از ایران صرف خواهند کرد. پس باید توجه داشت که روسیه و چین به دنبال منافع خود هستند و مسلماً به خاطر ایران منافع خود را به خطر نخواهند انداخت. ایران نباید روی هیچ کدام از بازیگران بزرگ حساب کند.

دوم، باید روشن شود ایران می‌خواهد چه نوع نقشی در منطقه بازی کند. این سؤالی است که روس‌ها نیز در پاسخ به آن ابهام دارند. در واقع، باید به صورت دقیق به این پرسش پاسخ داده شود که هدف ایران از فعالیت‌های منطقه‌ای و به‌ویژه حضور در سوریه چیست. پاسخ به این سؤالات می‌تواند بسیاری از ابهامات و حتی نگرانی‌ها در نزد مقامات و تصمیم‌سازان روس در مورد نقش ایران در سوریه را از بین ببرد.

سوم، مذاکره یا توافق ایران و امریکا در حوزه‌های هر چند محدود، دیگر کشورها را مجبور به امتیاز دادن به ایران می‌کند. در واقع، با توافق میان تهران و واشنگتن، دیگر کشورها و از جمله روسیه مجبور خواهند بود به ایران امتیازات بیش‌تری بدهند تا بتوانند منافع خود را در ایران حفظ کنند.



منابع

الف) منابع فارسی

- باقری دولت آبادی، علی؛ شفیعی، محسن. (۱۳۹۳). *از هاشمی تا روحانی (بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه سازه انگاری)*، تهران: انتشارات تیسرا.
- بل، وندل. (۱۳۹۲). *مبانی آینده پژوهی*، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران: انتشارات مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- رسولی ثانی آبادی، الهام. (۱۳۹۳). *ماهیت اتحادها در خاورمیانه؛ قدرت یا هویت؟، فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هفدهم، شماره سوم.
- شوری، محمود. (۱۳۹۴). *ایران، روسیه و آینده مسئله سوریه، روابط خارجی*، سال هفتم، شماره چهارم.
- صادقی، سید شمس‌الدین؛ مرادی، سمیرا. (۱۳۹۶). *تحلیل اتحاد ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۰، شماره ۱.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۶). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت.

ب) منابع انگلیسی

- Allison, Roy. (2013). *Russia and Syria: Explaining Alignment with a Regime in Crisis*, **International Affairs**, 89 (4), 795-۸۲۳, available on: <http://dx.doi.org/10.1111/1468-2346.12046> and http://www.chathamhouse.org/sites/default/files/public/International%20Affairs/2013/89_4/89_4_01_Allison.pdf
- Chubin, Shahram. (2012). *Iran and the Arab Spring: Ascendancy Frustrated*, **Gulf Research Center**, available on: http://carnegieendowment.org/files/Iran_and_Arab_Spring_2873.pdf
- Dator, Jim. (2002). **Advancing Futures: Futures Studies in Higher Education**, Connecticut: Praeger.
- Geranmayeh, Ellie; Liik, Kadri. (2016). *The New Power Couple: Russia and Iran in the Middle East*, **European Council on Foreign Relations**, available on: http://www.ecfr.eu/page//ECFR_186__

THE_NEW_POWER_COUPLE_RUSSIA_AND_IRAN_IN_THE_MIDDLE_EAST_PDF.pdf

Goodarzi, Jubin. (2013). *Iran and Syria at the Crossroads: The Fall of the Tehran-Damascus Axis?*, **Woodrow Wilson International Center for Scholars**, available on: http://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/iran_syria_crossroads_fall_tehran_damascus_axis.pdf

Klein, Margarete. (2012). *Russia and the Arab Spring; Foreign and Domestic Policy Challenges*, **Stiftung Wissenschaft und Politik**, available on: http://www.swp-berlin.org/en/publications/swpcommentesen/swpaktuelledetails/article/russia_and_the_arab_spring.html

Kozhanov, Nikolai. (2016). *Marriage of Convenience: Prospects for Russian-Iranian Regional Cooperation*, **Russia in Global Affairs**, available on: <http://eng.globalaffairs.ru/number/Marriage-of-Convenience-18245>

Mohs, Erik; Bank, André. (2012). *Syrian Revolt Fallout: End of the Resistance Axis?*, **Middle East Policy Council**, No. 3, available on: <http://www.mepc.org/journal/middle-east-policy-archives/syrian-revolt-fallout-end-resistance-axis>

Parker, W. John. (2016). *Iran: Strategic Partners or Competitor*, **The James A. Baker III Institute for Public Policy**, available on: <https://www.bakerinstitute.org/media/files/files/bb15c711/Working-Paper-Iran-Parker-042716.pdf>

Price, Bryan. (2013). *Syria: A Wicked Problem for All*, **CTC Sentinel**, 6 (8), 1-۴, available on: <http://www.ctc.usma.edu/wp-content/uploads/2013/08/CTCSentinel-Vol6Iss8.pdf>

Waltz, k. (1988). *The Origins of War in Neorealist Theory*, **Jour-**

nal of interdisciplinary History, Vol.18, 615-628.

Wehrey, Frederic; Sadjadpour, Karim. (2014). *Elusive Equilibrium: America, Iran, and Saudi Arabia in a Changing Middle East*, **carnegie endowment for international peace**, available on: <http://carnegieendowment.org/2014/05/22/elusive-equilibrium-america-iran-and-saudi-arabia-in-changing-middle-east/hbec>

Wezeman, D. Pieter. (2013). *Arms transfers to Syria*, **SIPRI YEARBOOK 2013**, available on: <http://www.sipri.org/yearbook/2013/files/sipri-yearbook-2013-chapter-5-section-3>

Spyer, Jonathan. (2018). *Putin's Endgame in Syria Has Arrived*, **Foreign Policy**, available on: <https://foreignpolicy.com/2018/05/24/putins-endgame-in-syria-has-arrived/> Putin's Syria envoy: U.S. forces should leave Syria

Majidiyar, Ahmad. (2018). *Tehran rejects Putin's call for troop withdrawal from Syria*, **The Middle East Institute**, available on: <http://www.mei.edu/content/io/tehran-rejects-putin-s-call-troop-withdrawal-syria>

Borshchevskaya, Anna. (2018). *Russia's Goals Go beyond Damascus*, **MIDDLE EAST QUARTERLY**, available on: <http://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/opeds/Borshchevskaya20171204-MiddleEastQuarterly-MEQ.pdf>

Stea, Carla, (2014),” *Breakdown in Diplomacy at the UN Security Council. Who is Behind “The Most Terrible Crimes in the History of Humanity”*, **Syria or the US?**, **Global Research**, July, available on: <http://www.globalresearch.ca/breakdown-in-diplomacy-at-the-un-security-council-who-is-behind-the-most-terrible-crimes-in-the-history-of-humanity-syria-or-the-us/5391402>

Barker, Alex; Hille, Kathrin. (2015). *West looks for splits in Rus-*

sia's alliance with Iran over Syria, November, available on: <http://www.ft.com/cms/s/0/e65eb2d4-8f67-11e5-8be4-3506bf20cc2b.html#axzz4IYpDPNQm>

Sadeghi, Saheb. (2015). *Why Iran and Russia aren't as closely aligned on Syria as you might think*, November, available on: <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/11/iran-russia-syria.html>

Qaidaari, Abbas. (2016). *Why Iran still doesn't trust Russia on Syria*, June, available on: <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/06/iran-russia-syria-defense-ministers-tehran-meeting.html>

Sputniknews. (2016). *Lavrov to Sputnik: Assad Not Moscow's Ally Like Ankara is to Washington*, July, available on: <http://sputniknews.com/politics/20160504/1039060941/assad-russia-ally-lavrov.html>

Rafizadeh, Majid. (2016). *Iran's Forces Outnumber Assad's in Syria*, November, available on: <https://www.gatestoneinstitute.org/9406/iran-soldiers-syria>

Kozak, Chris. (2017). *The Strategic Convergence of Russia and Iran*, February, available on: <http://www.understandingwar.org/backgrounder/strategic-convergence-russia-and-iran>

Isaev, Leonid; Zakharov, Andrey. (2017). *A Russian Constitution for Syria?*, march, available on: <http://intersectionproject.eu/article/russia-world/russian-constitution-syria>

Therme, Clément. (2017). *Russia and Iran's growing cooperation hints at a new Middle East*, march, available on: <http://theconversation.com/russia-and-irans-growing-cooperation-hints-at-a-new-middle-east-75181>

Khatib, Lina. (2017). *Iran Is Building a Base of Post-War Infl-*

ence in Syria, June, available on: <https://syria.chathamhouse.org/research/iran-is-building-a-base-of-post-war-influence-in-syria>.

Eichner, Itamar. (August 2017). *Russia promises to keep weapons out of Hezbollah's hands*, August, available on: <https://www.ynet-news.com/articles/0,7340,L-4919806,00.html>

i24news.)2017(. *Russian envoy says Moscow working to prevent transfer of weapons to Hezbollah*, September, available on: <https://www.i24news.tv/en/news/international/137186-170209-russian-envoy-says-moscow-working-to-prevent-transfer-of-weapons-to-hezbollah>

Cohen, Josh. (2018). *Commentary: Cracks in Russia-Iran alliance open options for Trump*, January, available on: <https://www.reuters.com/article/us-cohen-iran-commentary/commentary-cracks-in-russia-iran-alliance-open-options-for-trump-idUSKBN1EX298>